سرمایه گذاری خصوصی، لازمه گسترش تولید ملی

عبدالرضا بیگی نیا[1]، محمد ابراهیم راعی عزآبادی[2]

beyginia@gmail.com

meraei68@yahoo.com

چکیده

سرمایه گذاری خصوصی و یا به عبارتی خصوصی سازی، نقش بسیار اساسی در رشد و توسعه اقتصادی هر کشور و نیز عاملی اثرگذار بر گسترش تولید ملی می باشد. بی شک بدون حضور بخش خصوصی در اقتصاد کشور، تولید ملی به آن جایگاهی که باید برسد، نخواهد رسید. هدف این نوشتار بیان ابعاد، جنبه ها، مفاهیم، اهداف، آثار سرمایه گذاری خصوصی و خصوصی سازی بوده و در ادامه نیز عوامل موثر بر آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تولید ملی، خصوصی سازی، رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه گذاری خصوصی،

۱. مقدمه

افزایش سرمایه گذاری و دست یابی به نرخ رشد اقتصادی بالاتر، هدف اولیّه همه نظامهای اقتصادی و نقطه مطلوب تمامی تلاش‌هایی است که برای تنظیم امور اقتصادی جوامع انجام می‌شود**[4]**. سرمایه‌گذاری در اغلب کشورها،بویژه در کشورهای در حال توسعه،توسط بخش خصوصی و دولتی انجام می‌گیرد.سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نه تنها به عنوان جزئی از تقاضای کل بلکه مهمتر از آن، منبع رشد و فرصتهای شغلی در آینده است**. [5]**. طی دهه‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۷۰ قرن بیستم،دولت‌ها با هدف رفع نواقص بازار،ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و تخصیص بهینه منابع،تأمین کالا و خدمات اساسی،دستیابی به بعضی از اهداف سیاسی-اجتماعی شمار زیادی از فعالیت‌های اقتصادی را بر عهده گرفتند. افزایش دامنه فعالیت‌های دولت در مسائلی نظیر بوروکراسی شدید اداری،ضعف سیستم‌های ارزیابی، تعدد در اهداف،نبود انگیزه کاری،حمایت‌های غیر معقول را در اقتصاد پدید آورده و به ناکارایی اقتصادی در اغلب کشورها منتهی شد.همین امر موجب گرایش کشورها به سوی نظام بازار و اجرای سیاست خصوصی‌سازی شد.به طوری که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی سیاست آزادسازی به عنوان الگویی برای رویارویی با مسائل و مشکلات اقتصادی در سطح جهان پیشنهاد و مورد حمایت قرار گرفت.

این موضوع در کشور ما نیز به طور همزمان و با پایان جنگ با عراق مطرح شد.این در حالی بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی،اوضاع نابسامان واحدهای بزرگ صنعتی،کشاورزی و مالی کشور،دولت را بر آن داشت تا مبتنی بر قانون"حفاظت و توسعه صنایع ایران"شرکت‌های زیادی را تحت پوشش قرار داده و ملی کند.سابقه مالکیت دولتی در صنایع و گسترش دخالت دولت در اقتصاد در دوران پیش از انقلاب و شدت بی‌حدوحصر این روند در دوران پس از انقلاب،به ناکارایی شدید اقتصادی منتهی شد به طوری که در پایان جنگ تحمیلی کاهش مسئوولیت‌های اقتصادی دولت و واگذاری شرکت‌های دولتی مورد توجه خاص قرار گرفت.امروزه نیز کاهش تصدی‌گری دولت در فعالیت‌های اقتصادی در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است و مجلس نیز همزمان با برنامه های اقتصادی دولت سعی در رفع موانع ساختاری خصوصی‌سازی(اصلاح اصل ۴۴ قانون اساسی)در اقتصاد کشور دارد**[2]**.

معمولا تحلیلی که پیرامون سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد،در دو حوزهء اقتصاد خرد و کلان است.در اقتصاد خرد،تحلیل سرمایه‌گذاری بیشتر به بررسی طرحهای اقتصادی و همچنین تحلیل و توجیه‌پذیری آنها بازمی‌گردد و ملاکهایی هم برای آنها ارائه می‌شود.در حالی‌که بررسی سرمایه‌گذاری در اقتصاد کلان در حقیقت بررسی اثر متقابل متغیر سرمایه‌گذاری کل،سرمایه‌گذاری بخش دولت،سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری در بخشهای اقتصاد با متغیرهای دیگر اقتصاد کلان با استفاده از مدل‌های ریاضی و روشهای اقتصادسنجی است**[8]**.

---

[1] استادیار گروه مدیریت دانشگاه شاهد

[2] دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دانشگاه شاهد

۲. مبانی نظری سرمایه‌گذاری

از دیرباز،در متون اقتصادی،سرمایه گذاری و نرخ رشد آن به عنوان بارزترین شاخص ارزیابی سیاست‌های اقتصادی و یکی از عوامل مهم رشد و توسعه کشورها،مورد توجه مدیران اقتصادی و سیاسی بوده است.برخی از اقتصاددانان(کینزین‌ها)موتور رشد و توسعه اقتصادی را سرمایه گذاری قلمداد کرده‌اند و آرتور لوییس،اقتصاددان بزرگ توسعه،تنها راه رهایی از دور باطل فقر کشورهای توسعه نیافته را در افزایش سهم سرمایه گذاری از تولید ناخالص ملی در یک دوره معین اعلام می‌کند**[6]**.

مدلهای نظری موجود در زمینه سرمایه‌گذاری را می‌توان به سه طبقه کلی مدلهای شتاب، مدلهای سود انتظاری و مدلهای نئوکلاسیک‌ها تقسیم بندی کرد.

اقتصاددانان کلاسیک با استفاده از روش اقتصاد کلان مسئله رشد اقتصادی را بررسی می‌کنند.از نظر آنان تقاضا برای سرمایه‌گذاری تابع غیر مستقیمی از نرخ بهره و بازار سرمایه نظریه تعیین این نرخ است

نئوکلاسیک‌ها علاوه بر تأیید نظریات کلاسیکها نظریات خود را براساس مفاهیم نهایی و مطلوبیت نهایی بیان می‌کنند.در این مکتب،سرمایه‌گذاری از عامل سرمایه شروع می‌شود و قیمتها در تصمیمات سرمایه‌گذاری نقش زیادی دارد.از نظر کینز سرمایه‌گذاری به کارایی نهایی سرمایه نسبت به نرخ بهره هزینه فرصت منابع سرمایه‌گذاری شده بستگی دارد و سرمایه‌گذاری واقعی تا آن حد صورت می‌گیرد که نرخ بازده نهایی بالاتر از نرخ بهره بازار شود.

نظریه شتاب،سرمایه‌گذاری را یک نسبت خطی از تغییرات تولید در نظر می‌گیرد.براساس این نظریه با وجود نسبت رشد سرمایه به محصول،محاسبه سرمایه‌گذاری موردنیاز برای حصول مقدار مشخصی از تولید ساده خواهد بود.در این مدل انتظارات،سودآوری و هزینه‌های سرمایه نقش ندارند.

جورگنسن و هال و جورگنسن عنوان کردند که روش ذخیره بهینه سرمایه به قیمت تولید و هزینه استعمال سرمایه بستگی دارد.شکاف بین ذخایر سرمایه جاری و مطلوب از طریق تأخیر در تصمیمگیری منجر به ارائه معادله سرمایه‌گذاری(تغییر در ذخایر سرمایه)می‌شود.

در زمینه موضوع فوق تحقیقات متنوعی به شرح زیر صورت پذیرفته است:

سوندراجان و تاکور مدلی را ارائه کرده‌اند که شامل روابطی است که رفتار سرمایه‌گذاری خصوصی،پس‌انداز و رشد را توضیح می‌دهد و در آن سرمایه‌گذاری عمومی به صورت برونزا فرض شده است.مهمترین نتیجه مطالعه دو دانشمند فوق این بود که سرمایه‌گذاری بخش دولتی مکمل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است.

لونی با استفاده از مدل رگرسیونی،عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خصوصی را در بخش کشاورزی بررسی کرد.نتایج تجربی حاصل از تخمین معادلات مطالعات وی نشان داد که سرمایه‌گذاری خصوصی،تولید ناخالص داخلی و اعتبارات کشاورزی همگی با یک سال وقفه و سرمایه‌گذاری زیربنایی تأثیر مثبت و سرمایه‌گذاری غیر زیربنایی تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری خصوصی دارند.

سروواتو و جایارامان در سال ۱۰۰۲ عوامل تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری خصوصی را در فیجی مورد بررسی و آنها را به ۳ دسته عوامل نئوکلاسیکی،عوامل سیاستگذاری و عوامل اقتصادی باز تقسیم کردند.نتایج این بررسی نشان داد که متغیرهای اقتصادی مورد استفاده در مدل(سرمایه‌گذاری دولت،اعتبارات،نرخ مبادله و...)روی رفتار سرمایه‌گذاری خصوصی در کشور فیجی نسبت به عوامل دیگر تأثیر کمتری دارد و عوامل اصلی بازدارنده سرمایه‌گذاری شامل عوامل سیاستگذاری مانند قوانین و مقررات دولت،موقعیت سیاسی،هزینه‌های کاربردی آب و برق و نبود نیروی کار ماهر است.

برجیسیان در تحقیق خود با تأکید بر تأثیر عامل بی‌ثباتی تعدادی از متغیرهای کلان اقتصادی،عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خصوصی را در ایران بررسی کرد.در این تحقیق تأثیر متغیرهای رشد تولید ناخالص داخلی،سهم سرمایه‌گذاری بخش دولتی در درآمد ملی به تفکیک سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و غیر زیربنایی،نرخ واقعی بهره،رشد اعتبارات اعطایی بانکها به بخش خصوصی،رابطه مبادله،نرخ واقعی ارز و شاخصهای بی‌ثباتی نرخ ارز،صادرات و قیمتهای خرده‌فروشی بر سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در درآمد ملی آزمون شده است.این مطالعه نشان داد که رشد تولید ناخالص داخلی تأثیر مثبت بر سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در درآمد ملی دارد و تأثیر کل سرمایه‌گذاری دولتی بر سرمایه‌گذاری خصوصی مثبت است.همچنین نرخ واقعی بهره تأثیر منفی و رشد اعتبارات اعطایی بانکها به بخش خصوصی،رابطه مبادله و نرخ ارز تأثیر مثبتی بر سهم سرمایه‌گذاری در درآمد ملی دارند**[5]**.

۳. تعریف و مفهوم خصوصی‌سازی

انگاره اصلی در اندیشه خصوصی‌سازی، این است که فضای رقابت و نظام حاکم بر بازار، بنگاهها و واحدهای خصوصی را وادار می‌کند کارایی بیشتری نسبت به بخش عمومی داشته باشند. برپایه این انگاره، تعاریف، مفاهیم و تئوریهایی چند که دربرگیرنده ابعاد و اهداف گوناگون خصوصی‌سازی است، ارائه می‌شود:

بیس‌لی و لیتل چایلد خصوصی‌سازی را چنین تعریف کرده‌اند: "خصوصی‌سازی ابزاری برای بهبود بازده فعّالیتهای اقتصادی(صنایع) از راه افزایش نقش نیروهای بازار است با این شرط که دستکم ۵۰ درصد از سهام دولتی به بخش خصوصی واگذار شود."

ولجانورسکی، خصوصی‌سازی را به معنای" انجام گرفتن فعّالیتهای اقتصادی از سوی بخش خصوصی یا انتقال مالکیّت داراییها به بخش خصوصی" می‌داند.

کی و تامسونخصوصی‌سازی را این‌گونه تعریف می‌کنند:" اصطلاح خصوصی‌سازی، دربرگیرنده روشهای متعدّد و گوناگون برای دگرگون کردن رابطه دولت و بخش خصوصی است، از جمله ملّی نکردن(یا فروش داراییهای دولتی)، مقرّرات‌زدایی یا از میان برداشتن ضوابط محدودکننده و معرّفی رقابت در انحصارهای مطلق دولتی، وپیمانکاری یا واگذاری تولید کالاها و خدماتی که از سوی دولت اداره و تأمین مالی می‌شده است به بخش خصوصی".

۴. اهداف خصوصی‌سازی

خصوصی‌سازی ابزاری برای رسیدن به اهداف گوناگون در کشورهایی است که ساختارهای اقتصادی متفاوت دارند.در کشورهای اروپای شرقی، خصوصی‌سازی با هدف‌گذار از اقتصاد متمرکز و دستوری به اقتصاد آزاد انجام می‌شود.در این کشورها، خصوصی‌سازی در گرو تحوّلات ساختاری گسترده از ابعاد حقوقی و سیاسی است.برای نمونه مهمترین هدفهای خصوصی‌سازی در مجارستان به شرح زیر است:

معرّفی اقتصاد آزاد.

افزایش کارآیی اقتصادی.

شکل دادن یک نظام سیاسی برپایه حقّ مالکیّت خصوصی و آزادی فردی.

افزایش درآمدهای دولت[9].

۵. عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خصوصی

ادبیات تئوریک سرمایه‌گذاری بسیار غنی بوده و تعداد زیادی از مدلهای سرمایه‌گذاری را معرفی می‌کند که در مطالعات تجربی کاربرد زیادی دارند.اما این تئوری‌ها بیشتر برای جوامع پیشرفته طراحی شده‌اند و نمی‌توان آنها را برای کشورهای در حال توسعه با ساختار فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی متفاوت بکار برد.از نظر تحلیلی برخی مشکلات ساختاری مانند عدم وجود بازارهای مالی با کارکرد مناسب، نقش عمده دولت در تشکیل سرمایه، اختلالات ایجاد شده بر اثر محدودیتهای مبادله خارجی و نواقص دیگر بازار در بیشتر کشورهای در حالت توسعه، موجب شده است فروض مربوط به بهینه کردن رفتار سرمایه‌گذاری تأمین نشود و کشورهای در حال توسعه در استفاده از این تئوری‌ها با مشکل مواجه شوند.

در کشورهای جهان سوم؛ از جمله ایران قسمت اعظم سرمایه‌گذاریها در دست بخش عمومی است و این نوع سرمایه‌گذاریها را نمی‌توان با الگوی رفتار سرمایه‌گذاری توضیح داد.

حتی به جرأت می‌توان گفت که نقش دولت در بخشهای مختلف اقتصاد باعث بوجود آمدن رقابت بین بخش خصوصی و عمومی شده است و دولت بجای اینکه زمینه‌ای برای سرمایه‌گذاری خصوصی فراهم نماید به‌عنوان جایگزین بخش خصوصی عمل می‌کند و منجر به دوگانگی صنایع می‌شود.دولت با قدرت سرمایه‌گذاری بالاتر و جذب رانتهای مختلف از پیکره اقتصاد و حذف رقبای خصوصی، مدیریت صنایع و کارخانجات بزرگ را تصاحب می‌کند و بخش خصوصی در حاشیه قرار گرفته و صنایع کوچک را اداره می‌کند که این امر را نمی‌توان در ساختار تولیدی ایران مشاهده کرد

طبق بررسی انجام شده از منابع کتابخانه‌ای، متغیرهای ذیل را می‌توان به‌عنوان عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خصوصی معرفی کرد :

۱.۵. سطح درآمد

این متغیر، از مباحث تئوریک سرمایه‌گذاری حاصل شده و تغییرات سطح درآمد نیز می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.با افزایش سطح تولید(تولید ناخالص داخلی)یا درآمد، سرمایه‌گذاری نیز افزایش می‌یابد.

۲.۵. اعتبارات و تسهیلات بانکی

در مورد تسهیلات و اعتبارات بانکی در قالب تئوری‌های سیاست پولی اقتصاد کلان بر سرمایه‌گذاری خصوصی تردیدی وجود ندارد و نقش سیاست پولی در تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی حائز اهمیت است.برای این منظور مقامات پولی و بانکی از طریق ایجاد تسهیلات لازم در زمینه افزایش حجم پول و کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری اقداماتی را انجام می‌دهند که سرمایه‌گذاری در اقتصاد افزایش یابد.

یکی از ویژگی‌های مهم میزان تسهیلات اعطایی در بازار پول رسمی کشور، انعطاف‌پذیری آن است، یعنی با تغییر در این متغیر می‌توان میزان سرمایه‌گذاری بخش صنعت را به‌راحتی افزایش یا کاهش داد در حالی‌که متغیرهای دیگر از این ویژگی برخودار نیستند.

۳.۵. نرخ تورم

رخ تورم داخلی از جمله عوامل مؤثر بر تقاضای سرمایه‌گذاری خصوصی است؛ولی چگونگی تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری مبهم می‌باشد.در مورد نحوه تأثیر این متغیر از مدل تجربی استفاده می‌شود.

۴.۵. سرمایه‌گذاری دولتی

تئوری‌های اقتصاد کلان بیانگر تأثیر مخارج دولتی روی سرمایه‌گذاری خصوصی هستند. اما در رابطه سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی کمتر بحث شده است.

۵.۵. تغییرات نرخ ارز

بحث تئوریک در زمینه تأثیر تغییرات نرخ ارز بر سرمایه‌گذاری خصوصی در اقتصاد کلان و کشورهای پیشرفته وجود ندارد.ولی در کشورهای جهان سوم مانند ایران که بیشتر کالاهای سرمایه‌ای خود را(بخصوص در بخش صنعت)از خارج خریداری می‌کند، مسئله نرخ ارز و تغییرات آن اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.بنابر این نرخ ارز و تغییرات آن به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خصوصی؛به‌ویژه در بخش صنعت ایران مطرح است.

۶.۵. نرخ بهره

کینز که معتقد به تعیین میزان نرخ بهره در بازار پول است، سرمایه‌گذاری را تابعی نزولی از نرخ بهره قلمداد می‌کند.اما به‌علت عدم وجود نرخهای بهره واقعی در ایران و تغییرات اندک نرخ بهره در طول زمان، استفاده از این عامل برای سرمایه‌گذاری، دارای اریب خواهد بود.اما با توجه به اینکه مطالعات انجام شده در کشور، برای شاخص نرخ بهره واقعی از تفاضل نرخ سود سپرده‌های بلندمدت و نرخ تورم استفاده می‌کنند؛در برآورد مدل هم‌انباشتگی این پژوهش نیز از این متغیر استفاده می‌شود.

۷.۵. واردات کالاهای سرمایه‌ای

یکی از متغیرهای مهم اقتصادی که سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد، واردات کالاهای سرمایه‌ای است.بخش صنعت ساخت ایران نوپا بوده و تقریبا تمامی کالاهای سرمایه‌ای خود را از طریق واردات تأمین می‌کند.بنابر این هرچقدر حجم واردات کالاهای سرمایه‌ای به کشور بیشتر شود، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز افزایش می‌یابد و برعکس.

۸.۵. سطح پس‌انداز

سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از لحاظ مبانی نظری با پس‌انداز بخش خصوصی رابطه داشته و هرچقدر پس‌انداز بخش خصوصی افزایش یابد، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز افزایش خواهد یافت.

۹.۵. درآمد نفت

درآمد حاصل از فروش نفت خام برای اقتصاد ایران دارای اهمیت حیاتی بوده و به جرأت می‌توان گفت که تمام متغیرهای اقتصاد کلان را تحت تأثیر قرار می‌دهد[7].

۶. بازارپذیری شرط اساسی موفقیت خصوصی‌سازی

خصوصی‌سازی با رها سازی تفاوت دارد خصوصی‌سازی در گرو شکل صحیحی و مناسب واگذاری(قیمت گذاری صحیح،به روز کردن ارزش دارایی‌ها)و وجود شرایط خاص اقتصادی و بازاری(اصلاح ساختار فنی بنگاه‌ها،اصلاح ساختار بازار از طریق تنظیم‌ها نظارت‌ها،قوانین و مقررات مناسب و...) هر دو است.اگر هر کدام از این امور محقق نشود عملا خصوصی‌سازی به رهاسازی تبدیل می‌شود.یعنی گذشته از لزوم اتّخاذ شیوهء صحیح،خصوصی‌سازی مستلزم بازارپذیر بودن فعالیت‌های اقتصادی است .به عبارت دیگر باید عوامل اقتصادی به صورت خودجوش در اقتصاد و در سایر قلمروهای سیاسی،فرهنگی و اجتماعی حضور داشته و در عین حال مجال هر گونه اعمال قدرت انحصاری از آنها سلب شده باشد،بخش واسطه در مقدار بهینهء خود محدود شده باشد؛توان علمی و فنی جامعه در حد لازم تأمین شده باشد؛بازدهی بخشهای مختلف اقتصادی همگرا و متقارب شده باشد به گونه‌ای که مجموعهء این عوامل موجب تخصیص بهتر منابع و جلوگیری از اتلاف آن شود.امّا تا وقتی عوامل ذرّه‌ای حضور خودجوش ندارند؛تا وقتی بخش غیر مولّد و سوداگر به شکل غیر بهینه بزرگ و نهادینه شده است،تا وقتی همگرایی و تمایل به یکسان شدن نرخهای بازدهی بخشها و فعالیتهای مختلف اقتصادی محقق نشود در حقیقت بازارپذیری وجود ندارد.اگر بازارپذیری وجود نداشته باشد یا در شرایط اقتصادی امروز حتی امکان‌پذیر نباشد باز دولت بهتر می‌تواند با سیاستهای مدیریتی صحیح و منضبط از این بنگاهها به عنوان اهرمی در جهت دستیابی نسبی به اهداف خود استفاده کند.اگر به اطر نبود شرایط باثبات و مناسب، خصوصی‌سازی به رهاسازی تبدیل شود هم وضعیت مردم و هم وضعیت دولت هر دو نسبت به آنچه که اکنون هست بدتر خواهد شد[3].

۷. آثار خصوصی‌سازی

بخش‌بندی زیر گزینشی از مهمترین هدفها و پیامدهای خصوصی‌سازی است:

۱.۷. کاهش اندازه(حوزه)فعّالیت بخش دولتی

یکی از مهمترین اهداف خصوصی‌سازی، کوچک کردن حجم فعّالیتهای دولت است.این، واکنشی طبیعی به گسترش فعّالیتهای اقتصادی دولت بویژه پس از جنگ جهانی دوم تا کنون بوده است.در کشورهایی با بازار سازمان‌یافته در ابعاد گوناگون و شرایط مطلوب رقابت برای تولید کالاها و خدمات، شرکتهای دولتی را می‌توان بی‌واسطه از راه فروش داراییها یا انتقال مالکیّت به بخش خصوصی واگذار کرد و در مواردی که دولت ناگزیر است کنترل و هدایت عرضه کالاها و خدمات را در دست داشته باشد، می‌توان به شیوه پیمانکاری یا روشهای دیگر به واحدهای خصوصی سپرد.

۲.۷. انتقال مالکیّت و نظارت اقتصادی

انتقال در کشورهای پیشرفته سبب می‌شود بسیاری از دلمشغولی‌ها و مسئولیّتهای قانونی سیاستمداران و اقتصاددانان در مورد تصمیم‌گیری در زمینه سرمایه‌گذاری، بررسی سود و زیان و دیگر مسائل شرکتها در زمینه تولید و بازرگانی کاهش یابد؛خصوصی‌سازی مسئولیّت مقامات دولتی در پاسخگویی به نهادهای قانونی در مورد چگونگی عملکرد شرکتها را کاهش می‌دهد؛و سرانجام اینکه، مسئولان در شرایط ویژه، با وجود زیان‌دهی برخی از شرکتها، بی آنکه نقشی در افزایش کارآیی و تحوّلات عملی در بهبود کارآیی داشته باشند، بنا به دلایل سیاسی ناچارند ناکارآیی شرکتها را با افزایش هزینه‌های اجتماعی، جبران کنند .برعکس، در کشورهای درحال‌توسعه، نظارت داشتن بر شرکتها، در کنار نبود مسئولیّت پاسخگویی به مراجع قانونی، یک امتیاز و شاخص قدرت به شمار می‌آید.

۳.۷. افزایش کارآیی

یکی از شاخصهای مهمّ سودمند بودن انتقال واحدهای اقتصادی از بخش دولتی به بخش خصوصی، افزایش کارآیی است.هواداران خصوصی‌سازی بر این باورند که چرخش به سوی بازار با افزایش کارآیی همراه است.مکانیزم بازار مالی، بازگشت سرمایه برای جلب خشنودی سرمایه‌گذاران و سهامداران را الزامی می‌نماید.این مکانیزم در بهبود و بالا بردن کارکرد شرکتها بسیار نیرومندتر از سرمایه‌گذاریهای ناهماهنگ و سیاستهای اعتباری دولت است، زیرا در چارچوب دولت، برپایه ضرورتهای کوتاه‌مدّت سیاسی تصمیم گرفته می‌شود، درحالی‌که تصمیم‌گیری در بخش خصوصی ناگزیر باید برپایه سیاستهای درازمدّت و منطق اقتصادی استوار باشد.براساس مکانیزم آزاد و انعطاف‌پذیر، تصمیم‌گیری در بخش خصوصی به مدیران اجازه می‌دهد برای جلب و به‌کارگیری نیروهای ورزیده، پرداختهای مناسبی داشته باشند و به مقرّرات خشک پایبند و زیر فشار اتّحادیه‌های کارگری نباشد.این نیروها، بر سر هم، شرایط را برای تخصیص بهینه و همچنین کاهش هزینه‌های تولید فراهم می‌آورند و در نتیجه کارآیی افزایش می‌یابد.

۴.۷. کاهش کسر بودجه و بدهی‌های ملّی

انتقال فعّالیتهای اقتصادی با فروش دارایی یا روشهای دیگر، بر سر هم سبب کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمدها می‌شود، به این شرط که دولت بتواند رشد هزینه‌های آینده برنامه‌های دولتی را متوقّف سازد.فروش مستقیم داراییها و شرکتهای زیر پوشش، درآمد نقدی را با توجّه به میزان و روش فروش افزایش می‌دهد و برخی مشکلات کوتاه مدّت کشورها را با این روش(یکبار فروش)از میان بر می‌دارد.کسر بودجه هنگامی کاهش می‌یابد که به گونه‌ای از هزینه‌های درازمدّت دولت کاسته شود یا همزمان درآمدهای مستمر افزایش یابد.

۵.۷. تعدیل یارانه‌ها و کاهش نابسامانی قیمتها

تصمیمات تولیدی-قیمت‌گذاریها و سرمایه‌گذاری در شرکتهای دولتی، بی‌گمان از تصمیم‌گیریهای سیاسی اثر می‌پذیرد.برپایه جهت‌گیریها و ضرورتهای سیاسی، برخی شرکتها ناگزیرند بهای کالاها و خدمات خود را پایین‌تر از قیمتهای تمام‌شده به بازار عرضه کنند و در نتیجه، دولت با پرداخت یارانه، زیان شرکتها را جبران کند. همچنین، ممکن است یارانه‌هایی پنهان به شرکتها پرداخت شود مانند امتیازها و معافیّتهای خاصّ گمرکی و مالیاتی یا دریافت موّاد اوّلیه و انرژی ارزان.این‌گونه دخالتهای دولت، سبب نابسامانی در نظام قیمتها و تخصیص نامطلوب و غیربهینه منابع و در برخی موارد اتلاف منابع ملّی می‌شود و اگر خصوصی‌سازی با آگاهی و برنامه‌ریزی انجام گیرد می‌تواند بسیاری از موارد نابسامانی در قیمتها و یارانه‌ها را از میان بردارد.

۶.۷. مقرّرات‌زدایی(تعدیل مقرّرات)

ناکارآیی شرکتهای دولتی تنها از مالکیّت دولتی مایه نمی‌گیرد.مقرّرات دست‌وپاگیر، مهمترین بازدارنده انعطاف‌پذیری و پویایی فعّالیتهای اقتصادی است و مقرّرات‌زدایی نخستین و مهمترین گام در راستای فراهم آوردن شرایط و فضای رقابت است.مقرّرات محدودکننده را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

نخست:مقرّراتی مانند قوانین گمرکی، مصوّبه‌های وزارتخانه‌ها، شهرداریها و مؤسسات پولی و مالی انحصاری دولت که روی هم‌رفته طیف پیچیده‌ای در برابر هر فعّالیت اقتصادی پدید می‌آورند.این مقرّرات حقوقی، انحصاری هستند و رانت ویژه‌ای برای افراد در بوروکراسی دولتی پدید می‌آورند و فروش این حقوق و مبادله آن، ریشه بسیاری از فسادهای اداری است. مقرّرات‌زدایی در این رابطه، به معنی حذف قوانین بازدارنده و بوروکراسی به طریقی است که نهادهای گوناگون در حرکتی هماهنگ، راهنما و مشوّق فعّالیتهای برنامه‌ریزی‌شده توسعه اقتصادی از سوی واحدهای خصوصی شوند.

دوم:مقرّرات و چارچوب انعطاف‌پذیر است که جلو تصمیم‌گیری و آزادی عمل مدیران شرکتهای دولتی در سرمایه‌گذاری، استخدام نیروی کار، و هرگونه فعّالیت خلاّق را می‌گیرد .مقرّرات‌زدایی به معنی استقلال مدیریّت در تصمیم‌گیریها برپایه مکانیسم بازار است، با این هدف که نیروهای بازار بتوانند ناکارآیی ناشی از انعطاف‌پذیری گذشته را جبران کنند.

سوم:مقرّرات مربوط به واحدهای انحصاری است که خدمات و کالاهای عمومی مانند آب و برق و پست را عرضه می‌کنند.خصوصی‌سازی این‌گونه واحدهای تولیدی-خدماتی بحثهایی پیش آورده است.حذف مقرّرات در این واحدهای انحصاری که امکان ایجاد رقابت در کوتاه‌مدّت برای آنها وجود ندارد، به معنی انتقال انحصار دولتی به انحصار خصوصی است، که بی‌گمان زیانهای اقتصادی-اجتماعی بسیار به‌بارمی‌آورد.بنابراین در این گروه، مقرّرات‌زدایی به مفهوم از میان برداشتن مقرّراتی است که مانع ورود رقیب می‌شود و نیز وضع مقرّراتی که منافع مصرف‌کنندگان را پس از خصوصی‌سازی، تأمین و تضمین کند.

۷.۷. افزایش رقابت

رقابت مهمّترین امتیاز، شاخص برتر و مایه حیات نظام سرمایه‌داری است و هر عاملی که مانع رقابت در بازار شود، رفته‌رفته به ناکارآیی نظام حاکم خواهد انجامید.مفهومی که در همه کشورها بعنوان یکی از هدفهای خصوصی‌سازی پذیرفته شده، «افزایش رقابت»در فعّالیتهای اقتصادی است.

۸.۷. ایجاد دلبستگی و انگیزه در کارکنان شرکتها

سهیم نکردن کارگران، کارمندان و مدیران شرکتها در سهام کارخانه‌ها، از ابزار مهمّ سیاسی با آثار مثبت اقتصادی در فرایند خصوصی‌سازی است؛بدین ترتیب که ذخایر سرمایه ملّی در میان شمار بیشتری از شهروندان توزیع می‌شود و انگیزه مثبتی در کارکنان کارخانه‌ها برای فعّالیت و احساس مسئولیّت بیشتر در نگهداری این اموال و داراییها پدید می‌آید.برای دستیابی به هدف«کاپیتالیسم مردمی»، دولت با دو مشکل روبه‌روست:

نخست اینکه باید انگیزه لازم را برای خرید سهام از سوی کارگران به وجود آورد.این انگیزه بیشتر از راه"ارزش‌گذاری پایین سهام" انجام می‌شود.مشکل دوم این است که مردمان عادّی مدّت زیادی سهام را نگاه نمی‌دارند و با سودی اندک آن را می‌فروشند و دولت باید انگیزه‌هایی مثبت و شرایطی ویژه پدید آورد که این سهام در دست شهروندان به گونه گسترده باقی بماند.

۹.۷. گسترش بازار سرمایه

فرایند خصوصی‌سازی، مالکیّت سهام را گسترش می‌دهد.در نتیجه این گسترش، میزان معاملات در بازار سرمایه افزایش می‌یابد و نهادهای مالی تازه و متنوّعی پا می‌گیرد.گسترش این واحدهای مالی، امکانات سرمایه‌گذاری تازه‌ای پدید می‌آورد و سرمایه‌گذاری گسترده واحدهای خصوصی را آسان می‌کند.

۱۰.۷. تأمین منافع مصرف‌کنندگان

با خصوصی‌سازی، نظم بازار، جایگزین تصمیم‌گیریهای سیاسی می‌شود و در پی آن تخصیص و بهره‌وری منابع برپایه انتخاب مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرد.شرکتهای خصوصی همواره انگیزه بیشتری برای تأمین کالاها و خدمات مورد نیاز مصرف‌کنندگان از لحاظ کمّی و کیفی دارند؛آنهایی که نیازهای مصرف‌کنندگان را بشناسند و برآورند، سود می‌برند و دیگران محکوم به شکست و ورشکستگی‌اند.مصرف‌کنندگان ممکن است تنها به گونه غیرمستقیم از خصوصی‌سازی بهره‌مند شوند؛برای نمونه، با کاهش هزینه‌های دولتی، مالیات کمتری بپردازند یا از منافع کلان ناشی از افزایش کارایی اجتماعی بهره‌مند شوند.

خصوصی‌سازی می‌تواند زیانهایی هم برای مصرف‌کنندگان داشته باشد.شرکتهای خصوصی در پی حدّ اکثر سود هستند و بویژه می‌کوشند توان انحصاری خود را هرچه بیشتر افزایش دهند و درواقع اگر دولت قادر به اعمال کنترل و محدودیّتهای لازم برای جلوگیری از انحصار نباشد، مصرف‌کنندگان زیان می‌بینند.بخش خصوصی کمتر حاضر است خدمات غیر اقتصادی عرضه کند و منابع را برای کارهای مولّد به‌کارمی‌گیرد.بنابراین با خصوصی‌سازی، برخی کالاها و خدمات ممکن است تولید نشود و گروهی زیان ببینند.با خصوصی‌سازی، بخشی از عوامل تولید ناکارا، مانند نیروی کار، کنار گذاشته می‌شوند.هرچند کنار گذاشته شدن منابع ناکارآ، بر سر هم به سود مصرف‌کنندگان و پرداخت‌کنندگان مالیات است، امّا زیانی هم برای نیروهای کنارگذاشته‌شده دارد[9].

۸. شاخص‌های سنجش ریسک سرمایه‌گذاری در ایران و برخی کشورهای منتخب

- امنیت اجتماعی و اقتصادی
- انعطاف ناپذیری، تعدد و عدم شفافیت قوانین و مقررات
- سایر عوامل کاهنده انگیزه‌های سرمایه‌گذاری از قبیل بالابودن نرخ تورم، بالا بودن نرخ تسهیلات اعطایی بانک ها، شد اقتصادی اندک،نبود سلامت محیط زیست،ضعف زیرساختی سیستم‌های آموزشی و بهداشتی،نظارت و کنترل دولت و عدم دسترسی آسان به اطلاعات[1].

۹. نتیجه گیری

در این مقاله مفاهیم، اهداف و آثار سرمایه گذاری خصوصی و خصوصی سازی و عوامل موثر بر آن مورد بحث و بررسی قرار گرفت. بیان شد که خصوصی سازی لازمه رشد و توسعه اقتصادی و همچنین عاملی اثرگذار در گسترش تولید ملی است. از این رو با توجه به منویات مقام معظم رهبری و با توجه به اصل ۴۴ قانونی اساسی، دولتمردان می بایست هدف خود را گسترش خصوصی سازی قرار داده و از آن حمایت کنند و نیز و امکانات و موجبات سرمایه گذاری خصوصی را برای بخش خصوصی فراهم آورد تا بدین وسیله تولید ملی به جایگاه مطلوب خود برسد و اقتصاد کشور شکوفا گردد.

۱۰. منابع و مآخذ

[1] تصدیقی، بهروز، عزیزخانی، فاطمه و مهری پرگو، وجیهه (۱۳۸۵)، چالش های سرمایه گذاری بخش خصوصی در ایران، مجله مجلس و پژوهش، شماره ۵۲: ۵۴-۳۱.

[2] حسن زاده، علی و اسماعیل نژاد، مجید (۱۳۸۳)، ابعاد خصوصی سازی و آثار آن بر سرمایه گذاری خصوصی در ایران، مجله پژوهشها و سیاست های اقتصادی، شماره ۳۲: ۴۶-۲۹.

[3] شاکری، عباس (۱۳۷۸)، نکاتی اساسی در مورد خصوصی سازی، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۴۹ و ۱۵۰: ۱۷۷-۱۶۴.

[4] شریف آزاده، محمد رضا (۱۳۸۲)، تأثیر پذیری سرمایه گذاری خصوصی در ایران از شاخصهای امنیت اقتصادی (۱۳۵۸-۱۳۷۹)، مجله نامه مفید، شماره ۳۸: ۱۹۲-۱۵۹.

[5] صامتی، مجید و فرامرزپور، بیتا (۱۳۸۳)، بررسی موانع سرمایه گذاری خصوصی در بخش کشاورزی ایران، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۴۵: ۱۱۲-۹۱.

[6] کشاورزیان پیوستی، اکبر (۱۳۸۲)، نقش تسهیلات بانکی در سرمایه گذاری خصوصی بخش صنعت ایران، مجله بانک و اقتصاد، شماره۴۱: ۳۸-۳۶.

[7] کشاورزیان، اکبر و ضیائی بیگدلی، محمد (۱۳۸۵)، نقش تسهیلات بانکی در سرمایه گذاری خصوصی ایران، مجله پژوهش نامه اقتصادی، شماره ۲۱: ۲۶۴-۲۲۹.

[8] گسکری، ریحانه، قنبری، حسن علی و اقبالی، علی رضا (۱۳۸۵)، بی ثباتی در اقتصاد کلان و سرمایه گذاری بخش خصوصی، مجله پژوهش نامه اقتصادی، شماره ۲۳: ۱۳۲-۱۱۳.

[9] مرادی، بهنام (۱۳۸۴)، ابعاد خصوصی سازی و آثار آن بر سرمایه گذاری خصوصی (مطالعه موردی ایران)، مجله اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۲۱۳ و ۲۱۴: ۱۹۹-۱۸۰.